

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال چهارم شماره ۹۲

۹ دی ۱۳۹۷ / ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

حقوق ما

حقوق پناهندگان در ایران

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: نقی محمودی، نیلوفر جعفری، مریم دهکردی، معین خزائلی، رضا حاجی حسینی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

ایران، مقصد ناخوشایند پناهندگان

هر دو روی سکه پناهندگی

همه محدودیت های پناهندگان در ایران

حق تحصیل؛ حق نقض شده از کودکان افغان در ایران
از گذشته تا امروز

پناهندگان «غیرقانونی» در ایران؛
آنهايي که «پناهنده» نیستند!

تابعیت و پناهندگی در ایران: شناسنامه ایرانی،
حق قربانیان جنگ



ایران، مقصد ناخوشایند پناهندگان



نعیمه دوستدار

اعمال خشونت از جمله ضرب و شتم، حبس در شرایط غیر بهداشتی و غیر انسانی، اجبار به پرداخت پول برای انتقال و اسکان در اردوگاه‌های مرزی، کار اجباری، و جداسازی اجباری اعضای خانواده‌ها از یکدیگر، آزار و اذیت نیروهای امنیتی ایران نسبت به کودکان مهاجر بدون سرپرست که بدون والدین یا هرگونه سرپرست دیگر سفر می‌کنند، و تعداد قابل توجهی از کارگران مهاجر و اخراج شدگان افغان را تشکیل می‌دهند، از مواردی است که نگرین سازمان‌های حقوق بشری را هم برانگیخته است.

مناطق وسیعی از ایران برای سفر و اسکان افراد غیر ایرانی، «مناطق ممنوعه» حساب شده و نیروهای انتظامی و امنیتی ایران برای اخراج پناهندگان از کشور آنها را آزار و اذیت می‌کنند. بسیاری از افغان‌هایی که غیر مجاز شناخته می‌شوند به دلیل وجود موانع اداری نمی‌توانند فرزندان خود را به مدارس بفرستند. قانون ایران پناهندگانی را که دارای اجازه کار به عنوان پناهنده هستند، بدون توجه به میزان تحصیلات و مهارت‌های آنها، به انجام مشاغل معدودی محدود می‌کند که کارهای خطرناک با دستمزد کم هستند.

در این شماره از مجله حقوق ما به حقوق پناهندگان در ایران پرداخته‌ایم؛ موضوعی که به دلیل چند دهه حضور پناهندگان در ایران، هنوز زنده و تازه است.

بنا به اعلام آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد شمار پناهندگان در ایران در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۹۷۹,۴۱۰ بوده که ایران را به چهارمین کشور دارای جمعیت پناهنده تبدیل می‌کند. از این تعداد ۹۵۱,۱۴۲ نفر افغان و ۲۸,۲۶۸ نفر عراقی هستند. شمار پناهندگان افغان بدون مدرک شناسایی در ایران حدود دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود. ۳۴۵,۴۰۶ دانش آموز افغان و عراقی در سال تحصیلی ۲۰۱۴-۲۰۱۵ در مدارس ایران ثبت نام کردند.

با وجود این آمارها ایران مقصد جالبی برای پناهندگی و مهاجرت نیست. با اینکه این کشور در همسایگی کشورهای قرار دارد که در سال‌های اخیر به دلیل جنگ و مشکلات اقتصادی پناهندگان زیادی از آنها به سراسر جهان گریخته‌اند، اما ایران نتوانسته بسیاری از آنها را بپذیرد و آنهایی هم که از چند دهه قبل به ایران آمده‌اند، با مشکلات فراوان روبه‌رو هستند و بسیاری از آنها تلاش کرده‌اند این کشور را به مقصد دیگری ترک کنند.

نداشتن امکان دریافت اقامت دائم و حق شهروندی، محدودیت حق تحصیل، نبود امکان سرمایه‌گذاری‌های کلان در کنار برخوردهای نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز از جانب مردم و حکومت، باعث شده ایران یکی از بدترین کشورهای جهان برای پناهنده‌پذیری باشد.

هر دو روی سکه پناهندگی



نقی محمودی

مقدمه: ترک اجباری دیار و مهاجرت به دیار غربت، سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. پناهندگی، حتی در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف نیز در گذشته‌های دور وجود داشته و گاه این تمایز و تفاوت فرهنگی، دینی و نژادی، خود عاملی موثر در فرآیند بوده است. در بسیاری از تمدن‌های باستانی، نمونه‌های فراوانی از ایجاد اماکن و معابد امن برای پناهجویان وجود دارد.

برخی مورخان، نخستین نمونه‌های مکتوب از پناهجویی را، مربوط به ۳۵۸۸ سال پیش می‌دانند. در حوزه تمدنی خاورمیانه، شکل‌گیری کشورهای با مرزهای کم و بیش مشخص، عقد قراردادهایی برای حفاظت از پناهندگان و آوارگان را میان فرمانروایان ضروری می‌ساخت. اغلب مستندات در دوران بسیار دور، درباره پناهندگی شاهان و چهره‌های معروف است. اما در کتاب‌های دینی یهودیان و مسیحیان پناهندگی به گروه‌های دیگر مردم نیز تسری می‌یابد. پناهندگی در سده‌های اخیر، در دوره، از اواخر سده هفدهم شروع می‌شود. فرار بیش از ۲۵۸ هزار پیرو مذهب پروتستان از فرانسه به کشورهای دیگر اروپایی و امریکای شمالی به موضوع پناهجویی ابعاد گسترده‌ای می‌بخشد. پیروزی انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۹۱ بر وسعت

مفاهیم اولیه و اساسی:

۱- تفاوت پناهندگی با مهاجرت: هر چند میان پناهندگی و مهاجرت وجوه اشتراکی مثل ترک دیار خود و سکنی گزیدن در سرزمینی بیگانه وجود دارد ولی وجه افتراق عمده میان این دو مفهوم اجتماعی و حقوقی، اجبار در پناهندگی و اختیار و انتخاب در مهاجرت است. بنابراین افرادی را که به دنبال یافتن شغل یا موقعیت زندگی مساعدتر، کشور خود را ترک و در کشور دیگر رحل اقامت می‌افکنند، نمی‌توان عنوان پناهنده بر آنها نهاد.

۲- تفاوت پناهندگی با پناهجویی: پناهجویی، عموماً ناظر بر وضعیت اولیه، موقتی و اضطراری پس از ترک موطن است. این وضعیت ناظر به مدتی است که هنوز، شخص در برزخ ترک وطن و پذیرش کشور دیگر است. ولی پناهندگی تبدیل وضعیت پناهجویی به وضعیت غیر موقتی است. پناهجو از حقوق شهروندی برابر با سایر افراد جامعه‌ای که در آن به سر می‌برد و یا قرار است به آنجا منتقل شود، برخوردار نیست.

پناهندگی در اروپا می‌افزاید و «مولفه سیاسی» را به عنوان دلیل پناهندگی بر دیگر موضوعات همچون تعلقات قومی، نژادی، مذهبی و اقتصادی می‌افزاید. وقوع دو جنگ جهانی نیز سبب شد که بسیاری از انسان‌ها، موطن و کاشانه خود را ترک و در خاک کشور دیگری مامن گزینند.

موضوع پناهندگی یکی از موضوعات مناقشه برانگیز، خاصه از منظر کشورهای پناهنده پذیر است. این مسئله از دید سازمان‌های حقوق بشری نیز، پنهان‌نمانده و به عنوان مثال سازمان عفو بین‌الملل در گزارش‌های متعددی به این مسئله پرداخته و پناهندگی را یکی از چالش‌های مهم دوران کنونی ذکر کرده و با برشمردن نمونه‌های متعددی، از جامعه بین‌المللی خواستار رسیدگی به این معضل و مبارزه با ریشه‌های آن شده است.

در این میان، آن چه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تمییز مهاجرت از پناهندگی و همچنین سوءاستفاده از حق پناهندگی است.



بنابراین، تا مشخص نشدن وضعیت پناهجو و تبدیل آن به وضعیت پناهندگی، فرد مذکور اجازه تحصیل، کار و یا حتی انتخاب محل زندگی و اسکان خود را ندارد.

اما پناهندگی ناظر بر وضعیتی دائمی شامل حقوق برابر با سایر شهروندان کشور پناهنده پذیر است.

۳- پناهندگی و آوارگی: هر چند ممکن است در نگاه نخست، پناهندگی و آوارگی مفاهیم یکسانی را به ذهن متبادر کنند، اما در عرف پذیرفته شده حقوقی، تنها آن دسته از کسانی

که به خاطر دلایل سیاسی-اجتماعی از کشورهای خود خارج شده اند، پناهنده محسوب می شوند. به این معنا که به لحاظ حقوقی «خروج از کشور» شرط لازم برای رسمیت وضعیت پناهندگی است در حالی که در خصوص آوارگی «خروج از کشور» شرط الزام نیست.

۴- پناهندگی و تبعید: پناهنده فردی است که به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن، شکنجه شدن یا عدم امنیت جانی اقدام به ترک سرزمین خود می‌کند، اما فرد تبعیدی به اجبار مستقیم یک حکومت ناچار به ترک سرزمین خویش می‌شود و بایستی در سرزمین جدیدی که برای او تعیین شده است، ساکن شود.

پناهندگی، به مثابه یک حق اساسی و حقوق بشری در

اسناد بین المللی و حقوق بین الملل

یک سال پس از تاسیس سازمان ملل متحد، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای در راستای تاسیس «سازمان بین‌المللی پناهندگان» تصویب کرد. سازمان بین‌المللی پناهندگان در طی دوران چهار سال فعالیتش، افراد بسیاری را که به دلیل تبعات ناشی از جنگ، اقدام به مهاجرت به دیگر کشورها کرده بودند، به موطن‌شان بازگرداند. با پایان کار سازمان بین‌المللی پناهندگان، «کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان»، برای رسیدگی به وضعیت‌های جدید به وجود آمده تاسیس شد. همچنین در سال ۱۹۵۹ «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگی» به تصویب رسید که می‌توان آن را اصلی‌ترین منبع حقوق پناهندگان در چارچوب حقوق بین‌الملل دانست. در این کنوانسیون ضمن ارائه تعریف پناهنده، بر اصولی شامل اصل عدم تبعیض در آزادی مذهب، حق تشکیل اتحادیه و تشکیلات، دسترسی آزادانه به محاکم قضایی، آزادی رفت و آمد، مصونیت در مقابل اقدامات متقابل از سوی دولت‌ها، مصونیت از اقدامات علیه اتباع کشور اصلی حتی زمانی که

فرد بر حفظ تابعیت اولیه خود اصرار دارد و نیز مصونیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی تاکید شده است. کنوانسیون مذکور همچنین توصیه می‌کند که احوال شخصیه فرد پناهنده بایستی براساس قوانین و مقررات کشور محل اقامتش در نظر گرفته شود. از سوی دیگر، حمایت در مقابل اخراج و بازگردانیدن به کشور مبدأ و تاکید بر عدم مجازات پناهندگان به سبب ورود یا اقامت غیرمجاز و غیر قانونی‌شان از جمله مفاد این کنوانسیون است.

در سال ۱۹۶۷ پروتکل الحاقی کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگی به تصویب سازمان ملل متحد رسید. هم چنین در سال ۱۹۶۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «اعلامیه پناهندگی سرزمینی» را تصویب کرد. مطابق این اعلامیه مسئولیت اعطای پناهندگی به افراد متقاضی برعهده جامعه بین‌المللی و نماینده آن (سازمان ملل متحد) است و هر فردی که به خاطر نقض اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر حیات، جسم، جان و آزادی اش در معرض خطر باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، به عنوان یک سند پایه در حقوق اولیه و اساسی انسان‌ها، بر کرامت ذاتی و عدم تمایز انسان‌ها از حیث نژاد، زبان، دین، رنگ، جنس عقاید، موقعیت اقتصادی و غیره تاکید خاصی داشته و انسان‌ها را فارغ از این تفاوت‌های ذاتی و اکتسابی، بهره مند از تمام آزادی‌های ذکر شده در اعلامیه مذکور می‌شناسد. یکی از حقوق اساسی و بشری مصرح در ماده ۹۳ این اعلامیه، داشتن حق آزادی و اختیار ترک کشور خود و یا هر کشور دیگری و بازگشت به کشور خود است. حق پناهندگی، که بیشتر ناظر به پناهندگی سیاسی است، در ماده ۳۲ اعلامیه ی مذکور، پیش بینی شده است: در برابر شکنجه، تعقیب و آزار، هر شخصی حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی، در کشورهای دیگر را دارد. با این وصف این ماده، حتی هر تعقیب، شکنجه و آزاری را مشمول استفاده از حق پناهندگی ندانسته و در بند دوم ماده مذکور به استثنائی قابل توجه اشاره می‌کند: بند ۲- در موردی که تعقیب واقعاً در اثر جرم عمومی و غیر سیاسی یا در اثر اعمالی مخالف با هدف‌ها و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان به این حق استناد کرد. بنابراین ملاحظه می‌شود که اگر فردی به علت ارتکاب یک یا چند جرم عمومی یا غیر سیاسی، تحت تعقیب کیفری در کشور خود یا کشوری دیگر باشد، نمی‌تواند برای گریختن از مسئولیت کیفری یا احیاناً جبران ضرر و زیان مادی و معنوی

زیان دیده از جرم، از حق پناهندگی استفاده یا به عبارت صحیح تر سوءاستفاده کند. به همین سان، افرادی که در وطن خود «بخت خویش» را آزموده‌اند و برای جستجوی «بخت خوش» از کشور خود «رخت‌شان را بیرون کشیده» و عزم دیاری دیگر کنند. چرا که این امر علاوه بر لوث کردن مفهوم پناهندگی، باعث بی اعتمادی سازمان‌های دولتی کشورهای پناهنده پذیر به پناهجویان و پناهندگان واقعی می‌شود. خاصه اینکه، افرادی که با «کیس سازی» خود را در معرض تعقیب و شکنجه قلمداد کرده و در ادارات رسیدگی به درخواست پناهندگی چنان وانمود می‌کنند که

طناب دار بر گردنشان بوده و از غفلت چند ثانیه ای مامور اجرای حکم اعدام، استفاده کرده و از کوه و کمر و بر و بیابان، خود را به کشور امن دیگری رسانده اند. اما همین افراد به محض دریافت پاسپورت کشور پناهنده پذیر و حتی گاه قبل از آن، تعطیلات تابستانی‌شان را در همان کشوری سپری می‌کنند که چند سال قبل، مدعی شده بودند که طناب دار بر گردنش کرده بود!

جا دارد در اینجا به بخشی از مقاله پناهنده سیاسی دکتر غلامحسین ساعدی که خود مجبور به ترک وطن شد و «کزدم غربت» جانش را ستاند، شاهدی بیاورم:

«پناهنده سیاسی کسی است که چهره به چهره روبه رو، در برابر حکومت مسلط ایستاده بود، و اگر بیرون آمده، از ترس جان نبوده است.

او با همان فکر مبارزه و با سلاح اندیشه خویش ترک خاک و دیار کرده است. پناهنده سیاسی نیتش این است که با جلادان حاکم بر وطنش تا نفس آخر بجنگد و حاضر نیست از پا بیفتد. غرض این است که فرق «پناهنده سیاسی» قلابی با «پناهنده سیاسی واقعی» روشن شود. این دو از یک جنس و از یک قماش نیستند.

پناهنده سیاسی قلابی جانوری است همه چیز خوار، ولی پناهنده سیاسی واقعی انسانی است مرگ برکف، که بی‌هیچ چشم‌داشتی می‌خواهد کمر رژیم جمهوری اسلامی را بشکند...» کنوانسیون مربوط به پناهندگان در بند ج ماده ۲ شرایطی دقیق‌تر از منشور جهانی حقوق بشر، برای پناهندگان و پناهندگی در نظر گرفته است: ج - مقررات این کنوانسیون در موارد ذیل درباره اشخاص مذکور در قسمت الف این ماده اجرا خواهد شد:

۱- شخصی که داوطلبانه خود را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع خویش قرار دهد.

۲- در صورتی که تابعیت خود را از دست داده باشد آن را مجدداً تحصیل کند.

۳- یا تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد یا داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که به علت ترس از شکنجه قبلاً آنجا را ترک گفته یا در خارج از آن بسر می‌برده است .

۴- یا به علت از بین رفتن اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود دیگر نتواند از قبول حمایت دولت متبوع خود امتناع کند.

بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌هایی که مشمول مقررات بند ۳ قسمت الف ماده حاضر است و می‌تواند برای امتناع از قبول حمایت دولت متبوعه خود دلیل قاطعی دال بر شکنجه قبلی اقامه کند نخواهد شد.

۵. اگر اوضاع و احوالی که باعث شده بودند یک شخص بدون تابعیت به عنوان پناهنده شناخته شود از بین برود، آن شخص می‌تواند به کشوری که در آنجا سکونت دائم داشته، مراجعه کند.

مقوله سوءاستفاده از حق، یکی از مقوله‌های مهم حقوقی است که حتی در حقوق داخلی نیز، همواره مورد توجه حقوقدانان و قانون‌گذاران بوده است. زنده یاد دکتر ناصر کاتوزیان در مقام بیان معنی لغوی حق می‌نویسد: برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد و توان خواصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» می‌نامند که جمع آن حقوق است و «حقوق فردی» نیز گفته می‌شود: مثل حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت.

به اعتبار معنی اخیر است که گاه با عنوان «حقوق بشر» مورد حمایت قرار می‌گیرد. پس حمایت حقوقی و قانونی از یک حق منوط به امتیازی است که فرد در مقابل دیگران دارد و در بحث ما «تعقیب و یا آزار و اذیت» به خاطر یک باور سیاسی یا ارتکاب جرم سیاسی. البته در شرایط ویژه مثل بروز جنگ در یک کشور و در خطر قرار گرفتن جان انسان‌های غیرنظامی می‌تواند به طور محدود و مضیق و به عنوان مثال تا پایان جنگ در کشور مبدا، حقی برای اشخاص مذکور قائل شود.

همه محدودیت‌های پناهندگان در ایران

نیلوفر جعفری

پناهندگی در ایران بیش از هر چیز پناهنجویان افغانستانی و عراقی را به ذهن متبادر می‌کند. واقعیت هم این است که بسیاری از پناهنجویان به ایران از این کشورها به ایران پناهنده شده‌اند. در دهه‌های گذشته پناهنجویان عراقی به دلیل مشکلات عقیدتی و سیاسی در دوره جنگ خلیج فارس به ایران پناهنده شدند اما افغانستانی‌ها که جمعیت عمده پناهنجویان به ایران را تشکیل می‌دهند به دلیل عدم امنیت جانی، شرایط سخت زندگی و یافتن کار به ایران آمدند. جمهوری اسلامی از ابتدای ظهور به دلیل هم‌کیشی افغان‌ها و ارزش‌های دینی مانعی برای ورود آنها به این کشور ایجاد نکرد به همین دلیل جمعیت بزرگی از مردم افغانستان به ایران پناهنده شدند. با این حال زندگی پناهنجویی در ایران هرگز برای این افراد آسان نبود.

به طور کلی نوع مشکلات پناهنجویان در ایران با مشکلات پناهنجویی در بسیاری از کشورها متفاوت است اگرچه پناهنجویان افغانی به دلیل زبان مشترک و اشتراکات فرهنگی کمتر در ایران دچار تعارض فرهنگی شدند اما پناهندگی در ایران برای آنها همواره با مشکلات فراوانی همراه بوده است. واقعیت این است که ورود پناهجو به هر کشور تازه‌ای دشوار است و کشورها در ابتدای ورود پناهجوها قوانین سخت و پیچیده‌ای اعمال می‌کنند اما به مرور زمان و پس از ارائه خدمات انطباق‌پذیری برای این افراد تازه ورود، پیچیدگی‌ها و موانع برداشته می‌شوند و کشور تازه برای افراد پناهنده به محلی امن برای زندگی و رشد و پیشرفت تبدیل می‌شود. در حالی که در ایران ورود پناهنجویان از ابتدا و تا همیشه با مشکلات و موانعی همراه است و چشم‌انداز یک زندگی امن را از دسترس این افراد خارج می‌کند.

تبعیض در حق شهروندی

پناهنجویان و پناهندگان افغانستانی نه تنها نمی‌توانند به هیچ طریقی حق شهروندی ایرانی را به دست بیاورند بلکه فرزندان متولد شده آنها نیز به هیچ وجه ایرانی محسوب نمی‌شوند. این مساله برای زنان ایرانی که با فرد افغان ازدواج کرده‌اند یک معضل اجتماعی مهم است زیرا فرزندان آنها نیز نمی‌توانند تابعیت ایرانی به دست بیاورند. علاوه بر مشکلاتی که قانون بر سر تابعیت افغان‌ها قرار داده است مجریان قانون نیز تا آنجا که بتوانند مشکلات اضافه‌ای تحمیل می‌کنند. مثلاً بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران می‌گوید فرد متولد ایرانی که پدر و مادر خارجی دارد در صورتی ایرانی محسوب می‌شود که یکی از والدینش متولد ایران باشد. این قانون می‌تواند در مورد بسیاری از افغانستانی‌ها (نسل دوم و سوم) لحاظ شود تا آنها بتوانند تابعیت ایرانی را بگیرند. اما تاکنون افراد انگشت‌شماری توانسته‌اند از این ماده قانونی استفاده کنند چرا که مجریان قانون مانع از اجرای این قانون می‌شوند.

پناهنجویان، نیروی کار ارزان غیرقانونی

پناهنجویان افغانی به دلیل زبان مشترک به سرعت وارد بازار کار شدند. اما مشکلات افغان‌ها شامل نوع کارهایی است که برایشان فراهم است. از ابتدای حضور این پناهنجویان در ایران آنها معمولاً برای کارهای با درآمد کم، بدون پرداخت حق بیمه، مشاغل سخت و به طور کلی مشاغل کارگری به استخدام درآمده‌اند. وضعیت تبعیض‌آمیز کارگران افغان در ایران در طی سال‌های اخیر با دشواری‌های بیشتری نیز همراه بوده است. در سال ۱۳۹۳ اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهور در بخش‌نامه‌ای اشتغال اتباع بیگانه در ایران را ممنوع اعلام کرد. در متن این بخش‌نامه آمده بود: «در راستای سیاست‌های

دولت برای صیانت از نیروی کار داخلی [...] مقتضی است

همه دستگاه‌های اجرایی دولتی و عمومی غیردولتی و نیز شرکت‌ها و پیمانکاران مرتبط با آنها، کارگران مورد نیاز خود را صرفاً از نیروی کار ایرانی تامین نمایند». پس از این اظهارات حمید سیلاوی، مدیر کل اتباع و امور مهاجرین استانداری خوزستان، از طرحی برای ساماندهی اشتغال اتباع بیگانه خبر داد و به مشاغل چهارگانه برای اتباع خارجی که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده اشاره کرد و اعلام کرد کارفرمایان فعال در این مشاغل می‌توانند با درخواست به‌کارگیری اتباع در استان، آن‌ها را در این مشاغل به‌کار گیرند. این چهار گروه شامل کار در کوره‌پزخانه‌ها، کارهای ساختمانی، کارهای کشاورزی و دیگر گروه‌ها است که جزء مشاغل سخت و کم‌درآمد هستند.

محدودیت رفت و آمد

در ابتدا به طور معمول خانواده بسیاری از این افراد در شهرها زندگی می‌کردند در حالی که نان‌آور خانه در محلی دور از شهر



زمان اربعین مجوز خروج از کشور را دارند.

همکاری ایران با کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی

از سال ۱۳۸۰ دولت ایران با هدف سروسامان بخشیدن به پناهجویان افغانی شروع به اجرای برنامه جامع امور پناهندگان با همکاری کمیساریای عالی سازمان ملل کرد. این برنامه منجر به صدور کارت‌های اقامت موقت برای پناهندگان شد و امکانی فراهم کرد تا پناهندگان از افراد بی‌هویت و ثبت نشده در ایران صاحب هویتی حقوقی شوند. ایران به کنوانسیون ۱۹۵۱ درباره پناهندگان و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۶۷ البته با اعمال شرط‌هایی پیوسته است.

موارد دیگر نقض حقوق پناهندگان در ایران

- پناهندگان در ایران حق گرفتن گواهینامه رانندگی و رانندگی در ایران را ندارند.
- پناهندگان می‌توانند حساب سپرده بازکنند اما برای برداشت پول باید شخصا به بانک مراجعه کنند.
- آنها حق استفاده از خدمات الکترونیکی، عابربانک، و دستگاه‌های پوز خرید را ندارند.
- پناهندگان حق فعالیت سیاسی و عضویت در سندیکا را ندارند.
- طبق قانون مدنی ایران کارکنان دولت که مناصب مهم دارند در ازدواج با اتباع دیگر محدودیت دارند.
- بر اساس ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی زنان ایرانی برای ازدواج با مردان افغان باید از دولت اجازه بگیرند. این زنان معمولا حتی برای گرفتن شناسنامه فرزندان‌شان دچار معضل می‌شوند. دولت ایران این ازدواج‌ها را غیرقانونی می‌داند. به این ترتیب از نظر قوانین ایران فرزند حاصل از ازدواج یک زن ایرانی با یک مرد خارجی، ایرانی محسوب نمی‌شود. کودکانی که از این ازدواج شرعی اما غیرقانونی متولد می‌شوند تا ۱۸ سالگی از دریافت شناسنامه محروم هستند. آنها پس از رسیدن به سن ۱۸ سال و یک سال اقامت دیگر در ایران، می‌توانند درخواست تابعیت ایرانی کنند. در این ۱۸ سال اما آنها از حقوق مشابه کودکان ایرانی برخوردار نیستند، از جمله حق تحصیل.



کار می‌کرد و او باید دائما میان محل کار و زندگی سفر می‌کرد. از سال ۱۳۸۲ و صدور کارت‌های اقامت این رفتو آمدها دیگر به راحتی امکان پذیر نبود. یکی از شروطی که ایران برای پیوستن به کنوانسیون ۱۳۵۱ گذاشته بود درباره ماده ۲۶ درباره حق آزادی رفتو آمد پناهندگان بود. پس از آن دولت ایران به افغان‌ها فقط اجازه رفتو آمد آزادانه در استان مورد اقامت را داد و به این ترتیب سفر به استان‌های دیگر نیاز به اخذ اجازه تردد پیدا کرد. این مساله دشواری‌هایی مانند زمان‌بر و هزینه‌بر بودن را بر دوش افغان‌ها گذاشته است. اگر پناهندگان این مقررات را نقض کنند ممکن است بازداشت یا اخراج شوند. علاوه بر این، اجازه رفتو آمد به معنای آن است که این افراد فقط حق کار کردن در محدوده استان محل اقامت خود را دارند و این مساله دامنه انتخاب شغل را برای پناهندگان تنگ‌تر کرده است.

از دیگر سنگ‌اندازی‌های قانونی حکومت ایران برای کار پناهندگان ایجاد مناطق ممنوعه توسط شورای امنیت ملی در سال ۱۳۸۶ است. آنها این ممنوعیت را با هدف امنیت ملی، منافع عمومی و سلامت مناطق اعمال کردند. در ابتدا این مناطق فقط شامل مناطق مرزی بود که به مرور گسترش پیدا کرد و اکنون بسیاری از شهرها و استان‌های مرکزی ایران (شامل ۱۵ استان) را دربرمی‌گیرد. پناهندگان افغان اجازه اقامت و یا حق سفر به این مناطق را ندارند و به کسانی که ساکن این مناطق بوده‌اند مهلت داده شد تا از آنجا را ترک کنند و به مناطق دیگر کوچ کنند یا به افغانستان برگردند. اگرچه پناهندگان افغانستانی اگر به مناطق دیگر کوچ کنند همچنان حق تحصیل، اشتغال و استفاده از خدمات درمانی را دارند اما این کار برای آنها به خاطر پیوندهای اجتماعی، حسی و اقتصادی‌ای که در مدت طولانی با محل سکونت خود برقرار کردند بسیار دشوار است. برخی از پناهندگان بیش از ۳۰ سال ساکن یک منطقه خاص بوده‌اند و خروج از آنجا برای آنها به معنای از دست دادن بسیاری از علقه‌های فرهنگی است. با این حال آنها چاره‌ای نداشتند. اگر آنها در این منطقه ممنوعه بمانند کارت اقامت (آمایش) خود را از دست می‌دهند و قانون به پلیس اجازه می‌دهد که آنها را بازداشت و به افغانستان بازگرداند. علاوه بر این پناهندگان افغانستانی به راحتی حق خروج از کشور را ندارند و فقط برای سفر به کربلا و فقط در

این خاطره از نامهربانی سرزمینم با افرادی که آن روزها از کشوری جنگ‌زده به آن پناه آورده بودند تنها یک خاطره تلخ و دور نیست. اتفاقی است که از گذشته تا به امروز به کرات تکرار شده است.

گزارش‌های متعددی از نقض حقوق کودکان و زنان پناهجو بلاخص پناهندگان افغان در ایران منتشر می‌شود. فعالان حقوق کودکان و زنان زیادی پی پرونده‌های متعدد مفتوحه را برای احقاق حق تضییع شده مهاجران می‌گیرند اما این چرخه را انگار پایانی نیست.

وزارت امور خارجه افغانستان تعداد شهروندان افغان را که در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند حدود شش میلیون نفر برآورد می‌کند. از این تعداد به روایت گزارشی که وزارت امور خارجه افغانستان منتشر کرده است، چیزی حدود دو و نیم میلیون مهاجر در ایران هستند. ۹۵۰ هزار نفر از آنها کارت اقامت دارند، ۴۵۰ هزار نفرشان با پاسپورت و اقامت موقت و ۳۰ هزار نفر اقامت طولانی مدت دریافت کرده اند و چیزی قریب به یک میلیون نفر فاقد مدارک معتبر هستند.

بارها به وقت صحبت از حقوق مهاجران به خصوص پناهجویان افغان در ایران، این جمله را شنیده‌ام: «ایران، کشور مهاجر پذیری نیست و همه کشورها با مهاجران غیرقانونی همین رفتار را دارند» اما آیا این نظریه صحیح است؟ آیا حقوق پناهندگان در ایران با تعریف بین‌المللی آن تفاوتی دارد؟ آیا حقوقی که پناهجویان افغان مثلا در کشوری مانند ترکیه به عنوان یکی از کشورهای همسایه دارند، در ایران هم دارند؟ آیا زن یا کودک بودن پناهجویان در دستیابی به حقوق تعریف شده یا تضییع مضاعف آن اثرگذار است؟

محمد محبی، مدرس حقوق و علوم سیاسی در دانشگاه آزاد تهران در تشریح و پاسخ به این پرسش‌ها می‌گوید: «در نظام حقوقی ایران، پناهنده، آن معنای دقیق منطبق بر قواعد حقوقی بین‌المللی را ندارد. تفاوت‌های حقوقی ملموسی وجود دارد. پناهندگی به عنوان یکی از ویژگی‌های حیات بین‌المللی عموماً با یک مکان و یک محل جغرافیایی ملازم است و از جمله دلایل ناآرامی، تشنج و بحران در بسیاری از نقاط جهان است که میلیون‌ها نفر را وادار به ترک دیار خود کرده است. از سوی دیگر شکاف فزاینده سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در میان کشورها و ملل مختلف و نقض اصول استانداردهای رفتار دولت‌ها با اجتماع تحت حکومت خود از جمله دلایل ایجاد معضل پناهندگی است. البته می‌توان وجود و پیشرفت روزافزون پدیده پناهندگی را سیاسی

حق تحصیل؛ حق نقض شده از کودکان افغان در ایران از گذشته تا امروز



مریم دهکردی

اول: «زرقونه رضایی» فرزند اول یک خانواده مهاجر اهل افغانستان بود. درست همنسن من. کلاس چهارم دبستان بودیم. زرقونه روی یک صندلی تک نفره دسته دار می‌نشست در گوشه ای از کلاس. زنگ‌های تفریح را هم می‌رفت در انتهای‌ترین نقطه حیاط دنگال مدرسه، زیر درخت اکالیپتوس بزرگ و سرش را گرم می‌کرد به خواندن کتاب و تماشای زیر چشمی بازی باقی بچه‌ها. زنگ آخر هم بدو بدو و تنها می‌رفت خانه.

چند بار تلاش کردم با او دوست شوم. چشم‌های قشنگی داشت و صورت گرد و تپلش شبیه عروسکی بود که عمه آن سال‌ها از مکه برایم آورده بود. یک بار که خوراکی‌ام را بهش تعارف کردم با مهربانی بی‌وصف و هراسی غیرمعمول کمی برداشت و تشکر کرد. فردای آن روز به سپاسگزاری، دستمال گلدوزی شده سفیدی به من هدیه کرد که در گوشه‌اش نامم نوشته شده بود.

ما دوست ماندیم. زرقونه بعدها برایم گفت که والدین برخی از دانش‌آموزان از اینکه او در مدرسه ماست شاکی‌اند. مدام می‌گویند با بچه‌هایشان مرادده‌ای نداشته باشد و جدا از آنها بنشیند. او عمیقاً دلش می‌خواست با ما بازی کند اما از ترس شکایت‌ها و آزارها گوشه‌ای می‌نشست. می‌گفت: «اگر بیایم قاطی بازی شما بعد اخراجم می‌کنند اما من دلم می‌خواهد درسم را بخوانم.»



دانست. همه می‌دانیم که پناهندگان، قربانیان سیاست‌های تجاوزگرانه خارجی، جنگ، عدم تحمیل عقیده مخالف، اعمال زور و فشار هستند که خواسته یا ناخواسته از سوی دولت‌ها به عنوان ابزارهای سیاست خارجی برای اعمال فشار بر سایر کشورها به کار گرفته می‌شوند. ماده اول آیین‌نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ که همچنان قانون موضوعه ایران است و با انقلاب هم تغییر نیافته و نسخ نشده است، مقرر مبادارد که مقصود از پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی و یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند به کشور ایران پناهنده شود. در خصوص علت پناهندگی در کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ که دولت ایران به آنها ملحق شده است در مقایسه با آیین‌نامه پناهندگان فوق‌الذکر تفاوت مختصری وجود دارد. بدین نحو که اولاً در کنوانسیون ۱۹۶۷ به علل مربوط به نژاد و ملیت اشاره شده است و حال آنکه در آیین‌نامه پناهندگان ۱۳۴۲ کلمه ملیت مشاهده نمی‌شود و فقط علت نژادی قید شده است. ثانیاً طبق آیین‌نامه پناهندگان، ترس از جان و شکنجه افراد خانواده تحت تکفل متقاضی می‌تواند دلیل موجهی برای پناهندگی باشد ولی در کنوانسیون و پروتکل الحاقی به آن، فقط به ترس از شکنجه متقاضی اشاره شده است به عبارت دیگر ترس، ناظر بر جان متقاضی است و شامل افراد خانواده اش نمی‌شود لذا از این حیث دایره شمول آیین‌نامه پناهندگان وسیع‌تر است. به هر روی، چون آیین‌نامه پناهندگان لغو نشده و به قوت خود باقی است و از طرفی هم دولت ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل منظم به آن ملحق شده است لذا آیین‌نامه به این شکل تعبیر و تفسیر می‌شود: «مقصود از پناهنده فردی است که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی و ملیتی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده اش که تحت تکفل او هستند به کشور ایران پناهنده شود. ترسی که موجب پناهندگی خواهد شد باید ناظر به «جان» باشد و شامل مال نباشد. بنابراین کسی نمی‌تواند به خاطر ترس از مصادره شدن از اموالش به ایران پناهنده شود. ترسی که باعث پناهندگی است ناظر به کشور شخصی متقاضی است و شامل سایر کشورها نخواهد شد. با این توضیح که هر فرد در صورتی می‌تواند از دولت ایران تقاضای پناهندگی کند که از طرف کشور متبوعش جان خود و افراد خانواده تحت تکفلش را در خطر احساس کند.»

او همچنین در خصوص احتمال تفاوت تعاریف حقوقی پناهجویان در کشوری مانند ترکیه در مقایسه با ایران می‌گوید: «تا آنجا که اطلاع دارم، قوانین پناهندگی در ترکیه، علیرغم کاستی‌هایی، از قوانین پناهندگی در ایران، کارآمدتر هستند، البته دولت ترکیه، برای اینکه نظر اتحادیه اروپا را برای پیوستن آن کشور به اتحادیه جلب کند، اصلاحات عمیقی را در سه دهه اخیر انجام داده است. اما قوانین تابعیت در ایران براساس استانداردهای ۵۰ سال پیش نوشته شده و هنوز اصلاح اساسی نشده‌اند. به ویژه وضعیت زنان و کودکان پناهنده که نیاز به اصلاح اساسی دارد.»

اما چه حقوقی از زنان و کودکان افغان در ایران نقض می‌شود؟

یکی از اساسی‌ترین حقوق نقض شده از کودکان افغان در ایران حق تحصیل است. گذشته از مهاجرانی که بصورت غیرقانونی در ایران اقامت دارند، معضل ثبت نام کودکان افغان



حتی با ارائه کارت اقامت همواره مسئله‌ای اساسی در مورد پناهجویان افغان بوده است. چرا جمهوری اسلامی در مورد حق تحصیل کودکان افغان تبعیض آمیز رفتار می‌کند؟ محمد محبی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «مهمترین مانع و مشکل قانونی کودکان افغانستانی پناهنده در ایران برای تحصیل در مدارس ایران، مشکل نبود شناسنامه است. که البته در شهریور سال ۱۳۹۶، با تصویب یک آیین‌نامه در هیئت دولت و اعطای کارت تحصیلی به این کودکان، امکان تحصیل آنها در مدارس به وجود آمد. همچنین اواخر اردیبهشت‌ماه سال جاری آیت‌الله خامنه‌ای در دستوری اعلام کرد هیچ کودک افغان حتی مهاجرانی که به صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل باز بمانند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند.

اما در عمل مانع تراشی‌های زیادی در این مسأله رخ می‌دهد، مثلاً گزارش شده که در بسیاری از مدارس دولتی، از والدین

این کودکان درخواست شهریه می‌شود. در بعضی از مناطق آموزش و پرورش شهرهای بزرگی چون تهران و مشهد، یک تصمیم شرم‌آور و نژادپرستانه گرفته شده، مبنی بر این که کودکان مهاجر فقط در بخش‌های حاشیه شهر درس بخوانند و از ثبت‌نام آنها در مناطق اصلی شهر خودداری می‌شود. در مورد علت این تبعیض‌ها، سخن فراوان است، اگر بتوان به طور خلاصه این دلایل را بر شمرد، می‌توان به عدم وجود نگاه انسانی و اخلاقی به پدیده پناهندگی در ایران اشاره کرد، نظام حقوقی ایران و مسئولین نظام جمهوری اسلامی، پناهندگان را به عنوان «سربار جامعه» می‌پندارند، در حالی که در کشورهای مختلف جهان، پناهندگی را یک فرصت برای افزایش پرستیژ کشور و گسترش فرهنگ زبان کشور تلقی می‌کنند.»

خبرگزاری ایسنا چندی قبل گزارشی منتشر کرده بود تحت عنوان «چهره‌ای متفاوت از زن افغان در ایران». در این گزارش زن جوان مهاجر افغانی معرفی شده بود که به همراه خانواده اش در زمان حمله روسیه به افغانستان به ایران آمده و در این کشور تحصیل کرده بود. او که حالا پزشکی شناخته شده در شهر ری است از خواهر و برادرانش گفته که همگی در ایران تحصیلات دانشگاهی انجام داده‌اند. از محمد محبی در خصوص دانش‌آموزان افغان در ایران می‌پرسم. آنها که به رغم تمامی مشکلات موفق می‌شوند وارد دانشگاه‌های ایران شده و از آنجا فارغ‌التحصیل شوند. آیا پس از فراغت از تحصیل موقعیت‌های شغلی متناسب خواهند داشت یا سوژ گزارش ایسنا یک استثناست؟

محبی می‌گوید: «حق اشتغال که تقریباً در حد صفر است. و اگر هم باشد، در حد مشاغل سخت و کارگری‌های طاقت فرسا است. پناهندگان افغانستانی، فقط بخاطر عدم تمایل نیروی کار ایرانی، به مشاغل سخت، صاحب شغل شده‌اند و گرنه در مشاغل دیگر، به ویژه مشاغل دارای شرط تحصیلی، امکان اشتغال برای مهاجرین وجود ندارد.»

دوم: سال‌ها قبل در رفت و آمدهای داوطلبانه‌ام برای کمک به زنان آسیب دیده در بهزیستی به «صفورا» برخوردم. زن جوان مهاجری که با یک کارگر ساختمانی به نام «رضا» ازدواج کرده بود. دیدمش با چشمی کبود و لبی بخیه خورده. می‌گفت همسرش به قصد کشت او را می‌زند و هر بار از طلاق صحبت می‌کند، شوهرش می‌گوید به واسطه ازدواج با من «تابعیت ایرانی» گرفته‌ای و اگر طلاق بگیری تابعیتت سلب می‌شود و باید به کشورت برگردی. صفورا هراسان بود و

دلش نمی‌خواست دوباره به روزهایی برگردد که در صف‌های طولانی تمدید کارت آمایش می‌ایستاد و هر بار بدنش به وقت تمدید مجدد کارت می‌لرزید که مبدا اقامتشان تمدید نشود. محمد محبی در گفتگو با «حقوق ما» و در پاسخ به این پرسش که زنان مهاجر افغانستان اگر در ایران ازدواج کنند و تابعیت ایرانی بگیرند آیا پس از طلاق تابعیت از آنها سلب خواهد شد؟ می‌گوید: «بر اساس بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، زن خارجی به محض وقوع عقد ازدواج با مرد ایرانی، به صورت اتوماتیک به تابعیت ایران در خواهد آمد. در اینجا قانونگذار به دلیل آنکه در روابط زوجین ریاست خانواده را از خصائص شوهر دانسته (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) و با توجه به اینکه مردان ایرانی در داخل و خارج از کشور در صورت ازدواج با اتباع خارجی با مشکلات کمتری نسبت به زنان ایرانی در وضعیت مشابه قرار دارند، سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته است.

حال اگر زن مهاجر از همسر ایرانی خود طلاق بگیرد، دو نظریه وجود دارد، یکی اینکه اساساً تابعیت ایرانی او سلب نمی‌شود. و نظریه دیگر هم هست که اگر آن زن، از همسر ایرانی خود فرزندی داشته باشد، تابعیت او سلب نمی‌شود. ولی اگر فرزندی نداشته باشد، تابعیت او سلب خواهد شد. به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایران، نظریه اول پذیرفته شده است.»

در خصوص خشونت‌های اعمال شده علیه زنان افغان چه از جانب شهروندان ایرانی چه از جانب نزدیکان و وابستگان به او چقدر امکان شکایت، پیگیری و احقاق حق وجود دارد؟ محمد محبی در این باره پاسخ تکان‌دهنده ای می‌دهد. او با اشاره به اینکه نظام حقوقی و کیفری ایران در این باره حتی برای زنان ایرانی نیز کارآمد نیست می‌گوید: «حق شکایت که حتماً هست. اما بخاطر تقدم رابطه بر ضابطه در نظام اداری ایران، شکایت یک پناهنده بی‌پناه، کمتر به سرانجام می‌رسد. و طبعاً در رسیدگی‌ها، آن کسی که بیشترین نفوذ را دارد، شکایت او راحت‌تر به سرانجام می‌رسد.»

سوم: «اشرف» ۱۴ ساله بود که در اولین ماموریتش در سوریه کشته شده است. او حدود یک سال پیش از آن، بدون این که به ما خبر دهد، به عضویت لشکر «فاطمیون» درآمد و به سوریه اعزام و در اولین ماموریتش هم کشته شد. این‌ها اظهارات «علی» برادر اشرف است. او و خانواده اش در ایران زندگی می‌کردند اما پس از سقوط طالبان به افغانستان بازگشتند. برادر اشرف می‌گوید اشرف به خاطر تبلیغات فراوان

لشکر فاطمیون و تامین آینده اش راهی سفر به سوریه شد و تا پیش از کشته شدنش بابت هر ماه خدمت در سوریه مبلغی حدود سه میلیون تومان دریافت کرده است. گزارش‌های متعددی منتشر شده از استفاده ایران از کودکان افغان و تربیت آنها به عنوان نیروی نظامی در سوریه. منابع رسمی و مقامات ایران چنین رویدادی را تایید نمی‌کنند اما شواهد نشان می‌دهد که سپاه قدس با ترغیب خانواده‌های مهاجر و با وعده حقوق ماهیانه و تابعیت کشور ایران، برخی مهاجران افغان را برای جنگ به سوریه می‌فرستند و در میان آنها افراد زیر ۱۸ سال هم وجود دارد.

آیا بر اساس کنوانسیون حقوق کودکان این کار ایران از سوی خانواده‌های این کودکان قابلیت پیگرد قانونی دارد؟

محمد محبی در پاسخ به این سوال با اشاره به حیاتی بودن مسأله «کودک‌سرباز» در حقوق مخاصمات مسلحانه می‌گوید: «اگر چه بنده اطلاع دقیقی ندارم که نهادهای نظامی جمهوری اسلامی تا چه حدی از کودکان مهاجر افغانستانی برای جنگ به ویژه جنگ در سوریه استفاده کرده است اما کنوانسیون‌های بین‌المللی، منع شدیدی را برای استفاده از کودکان به عنوان سرباز جنگی، وضع نموده‌اند. علاوه بر اینکه کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در خصوص استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه مقرراتی را وضع نموده، بلکه بخاطر اهمیت موضوع، پروتکل مجزایی در خصوص استفاده از کودکان در مخاصمات مسلحانه نیز به آن کنوانسیون ملحق شده است. دولت ایران در سال ۱۳۷۲ با تصویب مجلس به کنوانسیون حقوق کودک پیوست و یکی از پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون با موضوع ممنوعیت فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان را نیز در سال ۱۳۸۶ به تصویب رساند. اما پروتکل الحاقی درباره منع به کارگیری کودکان در جنگها را هنوز به تصویب نرسانده است. ولی با این حال همان منع موجود در متن کنوانسیون هم برای برخورد با کشورهایی که از کودکان برای جنگها استفاده می‌کنند، کافیتست.

بند ۳ ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد که، «کشورهای طرف کنوانسیون از استخدام افراد کمتر از ۱۵ سال در نیروهای مسلح خودداری خواهند کرد. این کشورها جهت استخدام افرادی که بالای ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال سن دارند، اولویت را به بزرگ‌ترها خواهند داد.»

پناهندگان «غیرقانونی» در ایران؛ آنهایی که «پناهنده» نیستند!



معین خزانلی

آمارهای آژانس بین‌المللی مهاجرت در سال گذشته میلادی نشان می‌دهند تنها در ظرف چهار ماه ابتدایی این سال بیش از ۲۴۲ هزار مهاجر «فاقد مدرک» افغانستانی در ایران، یا اخراج شده یا مجبور به ترک ایران و بازگشت به افغانستان شده‌اند که نشان از افزایش روند اخراج پناهندگان بی‌مدرک از ایران دارد.

با این وجود اما به گفته حسین ذوالفقاری معاون انتظامی و امنیتی وزارت کشور ایران، این کشور همچنان میزبان نزدیک به سه میلیون پناهنده «غیرقانونی» است. ذوالفقاری خرداد ماه سال جاری با بیان اینکه «سیاست عودت و اسکان مجدد پناهنده نتیجه‌ای در بر نداشته» خبر از افزایش حجم مهاجران و پناهندگان «غیرقانونی» در ایران داده بود.

پناهندگانی که در بیشتر موارد به دلیل عدم به رسمیت شناخته شدن درخواست پناهندگی خود و در نتیجه «غیرقانونی» محسوب شدنشان، شرایط به مراتب بدتری داشته و همین برچسب «غیرقانونی» کافیتست تا آنها را از بسیاری از حقوق اولیه، ذاتی و اختصاص داده شده به پناهندگان محروم کند.

حق تقاضای پناهندگی

حق اعلام و اظهار آزادانه پناهندگی و درخواست برای بهره‌مندی از حقوقی که قوانین موضوعه جهانی برای پناهندگان پیش‌بینی کرده از جمله حقوق ذاتی، اولیه و غیر قابل انکار پناهندگان است. بر اساس این حق، هیچ پناهنده‌ای نباید به دلیل اقدام به درخواست پناهندگی از کشوری و یا

ورود به خاک آن کشور با هدف اعلام پناهندگی مورد پیگرد قضایی قرار گرفته و یا مورد تهدید و بد رفتاری قرار گیرد. در همین زمینه ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در امور پناهندگان هرگونه اعمال مجازات را بر پناهندگان به صرف اعلام پناهندگی و حضور و یا ورود غیر قانونی به کشوری با هدف پناهندگی ممنوع اعلام کرده است. از این رو بر اساس این ماده، صرف اظهار درخواست پناهندگی از سوی فردی به هیچ وجه نباید سبب در معرض خطر قرار گرفتن او شود. همچنین بر مبنای بند دو این ماده ایجاد محدودیت‌های غیر ضروری و ناعادلانه نسبت به رفت و آمد پناهندگان نیز ممنوع بوده و همان محدودیت‌های موجود قانونی نیز تنها تا زمان تعیین تکلیف وضعیت پناهنده (پذیرش ثبت درخواست پناهندگی) معتبر خواهند بود.

علی‌رغم صراحت کنوانسیون و به ویژه ماده ۳۱ مبنی بر شناسایی رسمی حق پناهندگان در اعلام پناهندگی و همچنین منع اعمال هرگونه محدودیت و ممنوعیت قانونی و یا غیرقانونی از دسترسی به این حق، اما شواهد موجود نشان می‌دهند این حق در تعدادی از کشورهای میزبان پناهندگان آنطور که باید و شاید اجرا نمی‌شود. در این شیوه، کشورها برای فرار از الزامات قانونی بعد از ثبت درخواست پناهندگی از جمله رعایت حقوق شناخته شده برای پناهنده، ترجیح می‌دهند بدون ثبت این درخواست، پناهنده مورد نظر را تحت عناوینی مانند ورود غیرقانونی به خاک خود بازداشت و به سرعت اخراج کنند؛ بدون اینکه حق او را به عنوان پناهنده

در اعلام درخواست پناهندگی خود به رسمیت بشناسند. چرا که از منظر قانونی بهره مندی از برخی از حقوق موضوعه پناهندگی (مانند حق تشکیل پرونده پناهندگی، حق بهره مندی از دسترسی به اطلاعات پناهندگی، ارایه مدارک پناهندگی و...) منوط به ثبت رسمی و قانونی درخواست متقاضی است.

در ایران نیز بررسی رویه عملی این کشور در زمینه به رسمیت شناختن حق اعلام آزادانه درخواست پناهندگی حکایت از نقض گسترده آن دارد. اخراج فوری و شتابزده افراد متقاضی پناهندگی به ویژه کودکان و نوجوانان بی سرپرست، عدم اجازه برای تسلیم قانونی درخواست پناهندگی، عدم ثبت قانونی درخواستها و نیز بازداشت غیرقانونی افراد متقاضی پناهندگی پیش از ثبت درخواست پناهندگی به اتهام ورود و حضور غیرقانونی در ایران از جمله مواردی است که بر اساس گزارشها نشان از بی توجهی حکومت ایران به این حق مشروع و قانونی و در نتیجه نقض آن دارد.

در همین زمینه سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار گزارش مفصلی در سال ۱۳۹۲ با انتقاد از رفتار ایران در برابر متقاضیان پناهندگی به ویژه اتباع افغانستانی تازه وارد به ایران و بازداشت آنها به اتهام حضور غیرقانونی در خاک این کشور، از دولت ایران خواسته بود به این افراد اجازه تقاضای پناهدگی دهد. در این گزارش گفته شده بود، حکومت ایران به جای ثبت و بررسی قانونی تقاضای پناهندگی متقاضیان، آنها را شتابزده از ایران اخراج می‌کند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در گزارش سال ۱۳۹۴ خود با تایید این موضوع زمان بازداشت تا اخراج تعدادی از اتباع افغانستانی متقاضی پناهندگی در ایران را بین یک تا سه روز عنوان کرده است. مرداد ماه امسال نیز تعدادی از رسانه‌های افغانستان با انتشار گزارش هایی از اخراج شتابزده و اجباری کودکان و نوجوانان بی سرپرست افغانستانی متقاضی پناهندگی در ایران خبر داده بودند.

اخراج اجباری و غیر قانونی

مساله اخراج و اعاده پناهندگان به کشور مبدا همواره یکی از چالش برانگیزترین موضوعاتی بوده که کشورهای میزبان از یک سو و پناهندگان از سوی دیگر با آن درگیر بوده‌اند. در عین حال مخالف بودن منافع دو طرف این ماجرا، یعنی کشور میزبان و پناهنده، به ویژه در کشورهایی که ساختار اجتماعی آنان اساسا با پذیرش پناهنده به عنوان عضوی از جامعه خودی مغایرت دارد، در عمل منجر به زیر پا گذاشته



الزامی است که درخواست پناهدگی فرد مورد نظر به عنوان پناهنده به صورت رسمی و قانونی به ثبت رسیده باشد. چرا که در غیر این صورت اخراج شخص مذکور تابع قوانین کلی ورود غیر قانونی و غیر مجاز به خاک کشورها خواهد بود. امروزه به پیروی از این قانون، در بسیاری از کشورهای پناهنده پذیر به ویژه کشورهای اروپایی و کانادا اخراج پناهندگان تنها با دستور دادگاه و پس از انجام پروسه قضایی مشخص امکان پذیر خواهد بود. ضمن اینکه حق فرجام خواهی متقاضی پناهندگی در برابر حکم اخراج و دفاع از خود، به طور مشخص در قوانین مربوط به پناهندگی این کشورها مورد تاکید قرار گرفته است.

در ایران اما علی رغم پیوستن این کشور به کنوانسیون امور پناهندگان و پروتکل الحاقی آن، اما در هیچ یک از قوانین موضوعه این کشور (آیین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲ و آیین نامه اجرای قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه مصوب ۱۳۵۲) اشاره‌ای به این موضوع نشده است. اگرچه که اجرای مفاد کنوانسیون ژنو به دلیل پیوستن ایران به آن از نظر قانونی الزامی است.

با این حال اما بر اساس گزارشات منتشر شده از عملکرد حکومت ایران در این مورد، به نظر می‌رسد که این پروسه نسبت به تعداد قابل توجهی از متقاضیان پناهندگی در ایران، که از نظر دولت این کشور غیرقانونی شناخته شده‌اند رعایت نمی‌شود. در همین زمینه گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر

در سال ۹۲ نشان می‌دهد دولت ایران بدون در نظر گرفتن این حق اقدام به اخراج تعداد زیادی از متقاضیان پناهندگی می‌کند. در این گزارش به طور مشخص از حکومت ایران خواسته شده بود که «حق درخواست تجدید نظر» را برای متقاضیان پناهندگی اخراجی به رسمیت شناخته و شرایط دسترسی آنها به دادگاه و بررسی پرونده آنان توسط دادگاه صالح را فراهم آورد.

گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۹۴ نیز که پس از مصاحبه با بیش از دو هزار نفر از متقاضیان پناهندگی اخراجی از ایران در این کشور منتشر شده حکایت از نقض سیستماتیک و گسترده این حق دارد. بر اساس این گزارش، اخراج هیچ یک از متقاضیان با حکم دادگاه نبوده و هیچ یک از آنان نیز فرصت دفاع از خود در دادگاه را پیدا نکرده‌اند. ضمن اینکه به گفته ۷۸ درصد از این متقاضیان اخراجی، اساسا هیچ آگاهی در مورد احتمال خروج آنان تا پیش از دستگیری و اخراج به آنان داده نشده است. به ادعای گردآوردندگان این گزارش، مقامات ایران حتی از اخراج متقاضیان بیمار و یا زخمی نیز صرف نظر نکرده‌اند.

اقدام حکومت ایران در جلوگیری از اعلام آزادانه تقاضای پناهندگی متقاضیان از یک سو و اخراج گروهی و غیرقانونی متقاضیان از سوی دیگر، در عمل سبب شده است که تعداد قابل توجهی از متقاضیان پناهندگی ترجیح دهند تا به جای ثبت رسمی و قانونی درخواست خود، به زندگی مخفی و اصطلاحا «سیاه» روی آورند. رویه‌ای که نتیجه آن سلب بسیاری از حقوق اولیه، ذاتی و انسانی فرد متقاضی پناهندگی است.

در این زمینه عدم بهره مندی از اجازه قانونی کار، عدم بهره مندی از دسترسی به خدمات اجتماعی و درمانی، عدم توانایی مراجعه به پلیس و سیستم قضایی در صورت نیاز از عمده ترین مشکلاتی است که پناهندگان و مهاجران غیرقانونی با آن روبرو هستند. در چنین شرایطی است که مواجهه با انواع تبعیضات اجتماعی و حتی رویارویی با سوء استفاده‌های مالی و غیر مالی و یا در معرض خشونت قرار گرفتن مداوم تبدیل به تجربه‌ای عادی و روزمره از زندگی روزانه این پناهندگان می‌شود. وضعیتی که در آن هرگونه واکنشی از سوی فرد پناهنده در پیگیری حقوق خود، سبب واکنشی چند برابر و معمولا خشونت آمیز و ناعادلانه از سوی جامعه میزبان خواهد شد.

تابعیت و پناهندگی در ایران: شناسنامه ایرانی، حق قربانیان جنگ



رضا حاجی‌حسینی

- اقامت ۱۰ ساله استاد نجیب مایل هروی در کمیسیون ویژه اقامت مجلس و بر اساس وعده محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه، محقق شد.

این خبر روز ۱۷ بهمن ۹۷ در خبرگزاری فارس افغانستان منتشر شده است و بر اساس آن نجیب مایل هروی که از سال ۵۰ در ایران اقامت دارد، دیگر نباید هر سال برای تمدید اقامت خود به اداره اتباع خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی مراجعه کند.

نجیب مایل هروی متولد سال ۱۳۲۹ در هرات، محقق عرفان و ادبیات فارسی و اهل هرات افغانستان است که از سال ۱۳۵۰ تاکنون ساکن ایران است. از او تا به حال ده‌ها کتاب و مقاله منتشر شده است.

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید تا سال ۲۰۱۶ شمار پناهندگان در ایران بیش از ۹۷۹ هزار و ۴۱۰ (حدود یک میلیون نفر) بوده و بر اساس این آمار، ایران چهارمین کشور دارای بیشترین پناهنده است.

بر اساس آمار منابع غیررسمی اما در طول سال‌های گذشته بیش از سه میلیون پناهنده مجاز و غیرمجاز افغانستانی و بعضاً عراقی در ایران بوده‌اند. سقوط ارزش ریال و شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی اما باعث شده است عده‌ای از آنان در ماه‌های گذشته به کشورشان برگردند یا ایران را به مقصد جایی دیگر ترک کنند.

در حالی که سازمان ملل متحد در برخی مقاطع از جمهوری اسلامی به دلیل نحوه میزبانی از میلیون‌ها پناهنده ستایش و قدردانی کرده است، اما به خاطر وجود قوانین سخت اقامت و به دست آوردن تابعیت ایرانی و برخوردهای بعضاً نژادپرستانه با مهاجران، شرایط زندگی آنان در ایران همواره دشوار بوده است. از جمله این دشواری‌ها می‌توان به عدم امکان تحصیل فرزندان پناهندگان غیرمجاز (و در مواردی حتی مجاز) اشاره

کرد؛ موضوعی که آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۵ میلادی نسبت به آن واکنش نشان داد و اعلام کرد هر کودک در ایران، فارغ از مدارک سجلی‌اش باید در مدرسه پذیرفته شود.

این فرمان باعث شد ۴۸ هزار کودک افغانستانی فاقد مدرک شناسایی، در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ثبت نام کنند. روز شنبه دوم تیر ماه ۹۷ هم احمد محمدی‌فر، مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت نیمی از سه میلیون مهاجر افغانستانی در ایران به صورت «غیرمجاز» حضور دارند اما به خاطر ثبت‌نام فرزندان آنها در مدرسه‌ها به تبعیت از فرمان رهبر جمهوری اسلامی، خانواده‌ها از تعقیب قضایی یا اخراج مصون شده‌اند.

قوانین تابعیت و فرمانی دیگر فرمان تحصیل دانش‌آموزان فاقد مدارک سجلی اما تنها دستور رهبر جمهوری اسلامی در حوزه زندگی مهاجران و پناهجویان نیست. محمدعلی شهیدی، رئیس بنیاد شهید، در گفت‌وگو با شماره روز یک‌شنبه ۲۲ اسفند ۹۵ روزنامه جوان گفت رهبر جمهوری اسلامی در جلسه‌ای از او خواسته موضوع اعطای تابعیت ایرانی به نیروهای لشکر «فاطمیون» را پیگیری کند. لشکر فاطمیون متشکل از افراد شبه نظامی افغانستانی است که برای دفاع از رژیم بشار اسد در سوریه می‌جنگند.



به گفته شهیدی، آیت‌الله خامنه‌ای گفته است اگر این نیروها به افغانستان بازگردند و نیروهای گروه طالبان مطلع شوند که آنها برای جنگ به سوریه رفته‌اند، همگی‌شان را قتل‌عام می‌کنند.

پیش از این اما مجلس ایران روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت سال ۹۵ در مصوبه‌ای دولت را موظف کرده بود به خانواده‌های «شهدای دارای تابعیت خارجی» (غیرایرانی)، تابعیت ایرانی بدهد: «دولت موظف است به همسران، فرزندان و والدین افراد دارای تابعیت خارجی (غیرایرانی) که در هشت سال جنگ ایران و عراق و بعد از آن در راستای مأموریت‌های محوله کشته شدند، حداکثر یک سال پس از تقاضای تابعیت، تابعیت ایرانی اعطا کند.»

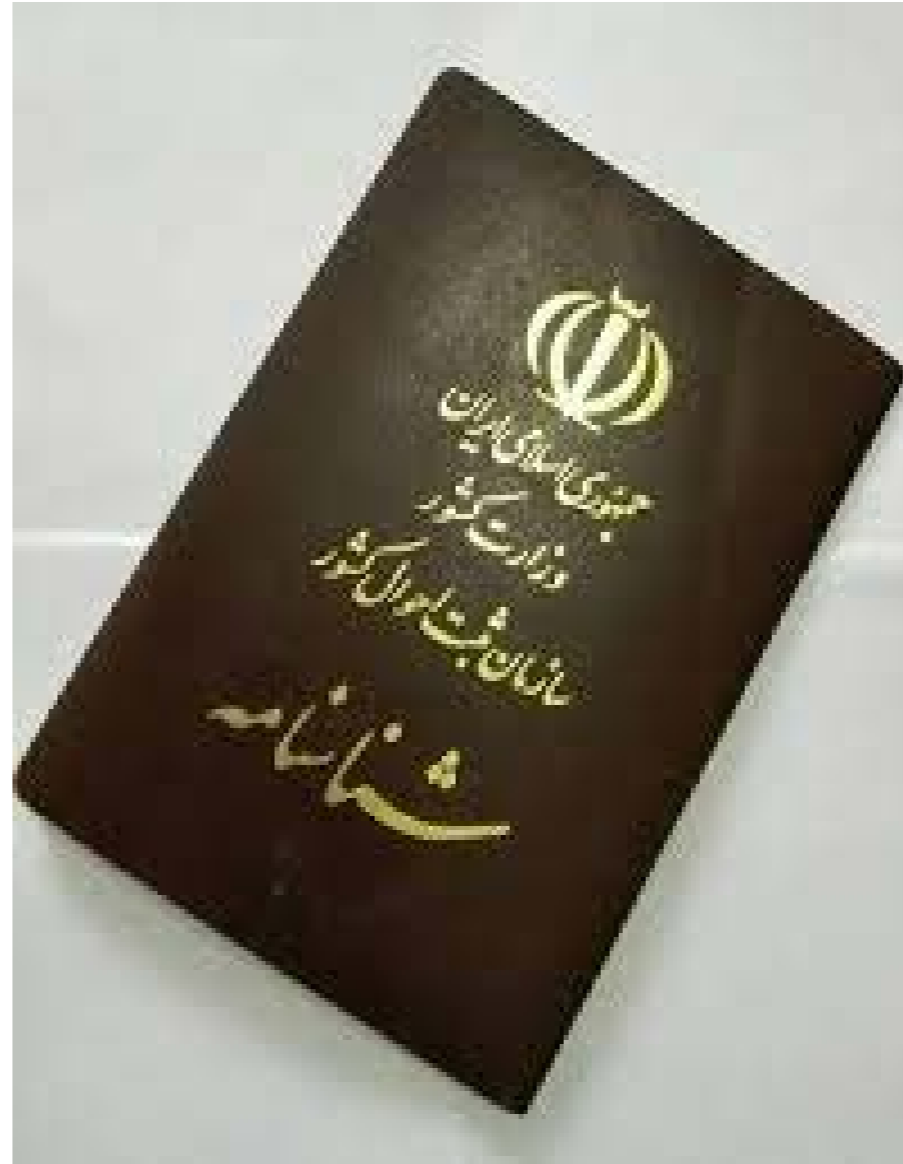
این قانون در حالی تصویب شد که سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی اعلام کرد سپاه پاسداران ایران از سال ۲۰۱۳ میلادی هزاران مهاجر افغانستانی فاقد مدرک اقامت قانونی در ایران را استخدام و به جنگ سوریه اعزام کرده است. شماری از این افراد زیر ۱۸ سال داشته‌اند و در میان آنان نوجوانان ۱۲ ساله نیز دیده شده است.

بهنام دارایی‌زاده، حقوقدان مقیم کانادا روز ۲۷ اردیبهشت ۹۵ در مقاله‌ای در رادیو زمانه اما اعطای تابعیت به خانواده افرادی که «شهید مدافع حرم» خوانده می‌شوند را به چالش کشید و آن را مصداق بارز «مزدوری» و حقوق مزدوری خواند.

او در توضیح وجه حقوقی این ماجرا نیز نوشت: «... موضوع اعطای تابعیت به اتباع خارجی در «قانون مدنی» ایران آمده است. در واقع امکان دریافت «تابعیت دوگانه» در قوانین ایران هم به مانند قوانین بسیاری دیگر از کشورها پیش‌بینی شده است. بر این اساس هر فرد خارجی که واجد صلاحیت‌های آمده در این قانون باشد، می‌تواند درخواست تابعیت ایرانی کند و هیات وزیران هم مکلف است که به این درخواست‌ها رسیدگی کند.»

همزمان با تصویب اعطای تابعیت به «جنگجویان غیرایرانی» و خانواده‌هایشان اما نمایندگان مجلس در جلسه علنی روز دهم شهریور ماه خود طرح یک فوریتی تغییر قوانین مهاجرت و شهروندی برای «اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی» را نیز تصویب کردند.

البته این طرح تنها شامل فرزندان می‌شود که حاصل ازدواج شرعی زن ایرانی و مرد دارای تابعیت خارجی یا فاقد تابعیت یا دارای تابعیت مشکوک باشند و تا تاریخ ۱/ ۱/ ۱۳۹۶ متولد شده باشند.



همچنین کسانی که مادر آنها ایرانی است - چه در ایران متولد شده باشند چه در خارج از ایران - مشروط به اینکه ازدواج پدر و مادر با قوانین ایران به ثبت رسیده باشد و فرزند حداقل تا سن ۱۸ سالگی، ۱۵ سال در ایران ساکن بوده باشد، مشمول دریافت شناسنامه ایرانی می‌شوند.

حق انتقال تابعیت از طریق مادر یکی از خواسته‌هایی است که در سال‌های اخیر از سوی فعالان کمپین «یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز» و کمپین «مادر من، وطن من» دنبال شده.

چهار ماه پیش از جلسه رسیدگی به این طرح و تصویب آن اما رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از تلاش‌ها برای آسان‌تر شدن قوانین مربوط به تابعیت و ارائه راهکاری برای حل مشکلات اتباع بیگانه ساکن ایران خبر داده بود.

عبدالرضا عزیزی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد گفته بود: «خارجی‌های بسیاری در کشورمان ساکن هستند، از شهروندان افغانستان و پاکستان گرفته تا سوریه و عراق و لبنان. کسانی که سال‌هاست در کشور ما ساکن هستند و با این حال وقتی صاحب فرزند می‌شوند شناسنامه ایرانی برای آنها صادر نمی‌شود و خیلی مواقع با معضلات بسیار زیادی روبه‌رو می‌شوند.»

عزیزی به افراد خارجی کشته شده در جنگ ایران و عراق هم اشاره کرده و با زدن رنگ ایدئولوژیک به مساله گفته بود: «حالا در این میان برخی از این خانواده‌ها پدر خود را هم در زمان جنگ تحمیلی از دست داده‌اند، خب این حق آنهاست که تابعیت ایرانی داشته باشند. الان یک ایرانی بعد از سه سال سکونت در کشور کانادا می‌تواند تابعیت آن کشور را بگیرد، بعد چرا کسی که جانش را در راه این کشور و اسلام از دست داده این امکان برای خانواده‌اش نباشد؟»

قانون و جزئیات آن

موضوع «اعطای تابعیت ایرانی به بیگانگان» در ماده ۹۸۰ قانون مدنی ایران آمده است.

این قانون در سال ۱۳۱۳ و در زمان حکومت رضا شاه تصویب و با وجود همه تحولات سیاسی و ... پس از انقلاب، تغییرات چندانی مشخصی نداشت تا اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس سراغ آن رفت و متنی را با عنوان «اظهارنظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده ۹۸۰ قانون مدنی، برای تسهیل اعطای تابعیت به رزمندگان، ایثارگران و نخبگان غیر ایرانی» منتشر کرد.

در بخش‌هایی از متن پیشنهادی مرکز پژوهش‌های مجلس

است: «کسی که به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل او هستند به کشور ایران پناهنده شود.»

همچنین بر اساس ماده شش این آیین‌نامه، اگر درخواست پناهندگی فرد پناهجو قبول شود، دفترچه‌ای دریافت می‌کند که این دفترچه به منزله دفترچه شناسایی و هویت رسمی است: «این دفترچه» در دفتر شهرداری محل اقامت ثبت می‌شود و دارنده آن باید هر سه ماه یک بار مراجعه و آن را تمدید نماید.»

آرش بهمنی، روزنامه‌نگار، در گزارشی که در تاریخ ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۶ در سایت سازمان حقوق بشر ایران منتشر شده، به برخی مفاد و ویژگی‌های این آیین‌نامه پرداخته است.

در این آیین‌نامه تأکید شده است شخص پناهنده پس از قبولی پناهندگی، در استفاده از خدمات بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی، اشتغال به حرفه‌ها و کارهایی که اتباع خارجی در ایران اجازه آن را دارند و همچنین اموری که کمیته دائمی پناهندگان صلاح می‌داند، از حقوق اتباع ایران برخوردار است. پناهنده اما حق شرکت در فعالیت‌های سیاسی و سندیکایی را ندارد (تبصره یک) و تنها «تا حدودی که مخالف نظم عمومی کشور نباشد»، می‌تواند «آزادانه» مراسم مذهبی خود را اعمال کند و به فرزندان خود تعلیمات مذهبی دهد.

دیگر حقوقی که این قانون برای پناهندگان در نظر گرفته، از این قرار است: «در انتخاب مسکن آزاد است و در صورتی که از لحاظ امنیت ملی و نظم عمومی مانعی نباشد، برای او پروانه مسافرتی صادر می‌شود که با آن می‌تواند به خارج از کشور مسافرت کند. در مورد استملاک اموال منقول و غیر منقول، پناهنده اصولاً از همان حقوق که برای اتباع خارجه مقرر است استفاده خواهد کرد.»

یک پناهنده در ایران همچنین حق دارد برای احقاق حق خود به دادگاه‌های کشور مراجعه کند. او البته باید کتبا تعهد کند که تا وقتی در ایران اقامت دارد، مقررات و قوانین دولت ایران را محترم بشمارد.

بر اساس این آیین‌نامه، اعطای تابعیت به پناهندگانی که در مدت اقامت در ایران قوانین و مقررات را کاملاً رعایت کرده باشند، با نظر مساعد بررسی خواهد شد.

افراد متقاضی کسب تابعیت ایران باید درخواست تابعیت خود را به اداره تابعیت وزارت امور خارجه در مرکز یا دفاتر امور

اتباع و مهاجران خارجی استانداری‌های سراسر این کشور ارائه کنند.

این افراد مطابق ماده ۹۷۹ قانون مدنی باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند.
۲. پنج سال اعم از متوالی یا متفاوت به‌صورت قانونی در ایران ساکن بوده باشند.
۳. فراری از خدمت نظامی در کشور متبوع خود نباشد.
۴. در هیچ مملکتی به جنایت مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشد.

همچنین برابر قانون، افرادی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت کرده باشند یا اشخاصی که دارای همسر ایرانی باشند و از او فرزند داشته باشند و یا دارای مقامات عالی علمی باشند، در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت ایران صلاح بداند، بدون رعایت شرط اقامت، ممکن است با تصویب هیات وزیران به تبعیت ایران قبول شوند.

اشخاص غیرایرانی که به تابعیت ایران درآیند، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند اما نمی‌توانند به چنین مقاماتی دست یابند:

۱. ریاست جمهوری و معاونان او
۲. عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
۳. وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
۴. عضویت در مجلس شورای اسلامی
۵. عضویت در شوراهای استان و شهرستان و شهر
۶. استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست یا ماموریت سیاسی
۷. قضاوت
۸. عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
۹. تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی

مجموعه قوانین مربوط به پناهندگی و تابعیت در ایران اغلب در بررسی‌های به عمل آمده و مخصوصاً در مقایسه با قوانین کشورهای پیشرفته در این زمینه، سختگیرانه خوانده شده‌اند. در کنار سختگیری قوانین اما به نظر می‌رسد اجرا نشدن کامل قانون موجود نیز باعث شده است پناهجویان در ایران به دلیل نداشتن اسناد هویتی، شناسنامه و کارت ملی، هم از نظر شناسایی و هم از نظر بهداشتی، اجتماعی، درمانی و آموزشی با مشکل مواجه شوند و از بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر محروم بمانند.

